

موانع استراتژیک فعالیت طرح‌های توسعه میادین مشترک نفت و گاز (مورد مطالعه طرح توسعه میدان نفتی آذر)

امید الی ابادی^۱، علی نظری^۲

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایران

^۲ کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایران

چکیده

سیاست‌گذاری بهینه در بخش نفت و گاز در جهت تأمین منافع ملی کشور یکی از اهداف کلان کلیدی و مهم کشور در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. سابقه صد ساله در تولید نفت خام و حضور فعال در گروه صادرکنندگان بزرگ نفت خام در خلال بیش از ۶۰ سال گذشته موجب شده است که بسیاری از مسئولان و سیاست‌گذاران اقتصادی کشور به اشتباه بر این باور باشند که در آینده نیز این روند همچنان ادامه خواهد یافت. ایران با در اختیار داشتن ۲۸ میدان مشترک هیدروکربوری شامل ۱۸ میدان نفتی، ۴ میدان گازی و ۶ میدان نفت و گاز با هفت کشور همسایه یکی از معدود کشورهای جهان است که از این تعداد ساختار مشترک هیدروکربوری برخوردار است. لذا با توجه به اهمیت سیاست‌گذاری بهینه در بخش میادین مشترک نفت و گاز، هدف از انجام این تحقیق شناسایی موانع استراتژیک فعالیت طرح‌های توسعه میادین مشترک نفت و گاز (مورد مطالعه طرح توسعه میدان نفتی آذر) می‌باشد. بدین منظور پرسشنامه‌ای شامل ۴ مؤلفه و ۳۹ گویه با استفاده از مطالعات پیشین و نظرات کارشناسان حوزه نفت و گاز طراحی و بین ۱۱۱ نفر از کارشناسان صنعت نفت توزیع شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده شد. نتایج بیانگر تأثیر مثبت تحریم‌ها، موانع مدیریتی، موانع مرتبط با نیروی انسانی و موانع مرتبط با بهره‌وری بر توسعه میادین مشترک بود. در این بین موانع مدیریتی بیشترین تأثیر را داشته و بعد از آن به ترتیب موانع مرتبط با نیروی انسانی، موانع مرتبط با بهره‌وری و تحریم‌ها قرار داشتند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت استراتژیک، موانع استراتژیک، تحریم، موانع مدیریتی، نیروی انسانی، بهره‌وری

۱- مقدمه

از دهه ۱۹۸۰ تاکنون مفهوم استراتژی در برنامه ریزی و مدیریت گسترش یافته است (سعید نیا، ۱۳۸۷). استراتژی را مجموعه‌ای از اقدامات و سیاست‌هایی دانسته‌اند که جهت‌گیری کلی را مشخص ساخته و چگونگی نیل به اهداف کلان را تعیین می‌نماید (اشرفی، ۱۳۹۲). از دیدگاه الکساندر^۱ (۱۹۹۱) فرآیند مدیریت استراتژیک دارای دو وجه تدوین و اجرای استراتژی می‌باشد و موفقیت یا عدم موفقیت یک استراتژی، بستگی به این فرآیند و تعاملات آن دارد (کاس اوقلو و همکارانش^۲، ۲۰۱۲).

به گفته محب علی و رحمان سرشت (۱۳۸۷) پس از تدوین استراتژی‌هایی که باید اجرا شوند، فرایند مدیریت استراتژیک پایان نمی‌یابد، بلکه باید به افکار استراتژیک جامه عمل پوشانید. تدوین استراتژی به تنهایی متضمن موفقیت شرکت نخواهد بود و تا زمانی که این استراتژی‌ها به اجرا در نیایند، هیچ تأثیری در موفقیت و بقای سازمان نخواهند داشت چرا که همیشه انجام دادن کار (اجرای استراتژی) از گفتن آنچه باید انجام شود (تدوین استراتژی) مشکل‌تر است، ضمن اینکه اجرای استراتژی بر سازمان، از بالا تا پایین و بر همه سطوح بخشی و وظیفه‌ای اثر خواهد گذاشت (سرداری، ۱۳۹۰).

در این پژوهش سعی بر آن است که موانع استراتژی توسعه میدان مشترک نفت و گاز مورد بررسی قرار گیرد چرا که یکی از مهم‌ترین عوامل تولید و اثرگذارترین عنصر در اقتصاد جهان، انرژی و امنیت انرژی است. بهره‌مندی انسان از ماشین بخار در جهت چرخاندن چرخه تولید باعث شکل‌گیری انقلاب صنعتی و تحولات و پیشرفت‌های منتج از آن گردید. پس از این تحول جهان صنعتی در جهت یافتن منابع جدیدتر و کاراتر و ترجیحاً ارزان‌تر انرژی حرکت کرد. اکتشاف نفت در ایران در حدود صدسال پیش این امکان را فراهم آورد و صنعت نفت ایران شکل گرفت (گزارش رهبردی، ۱۳۸۹).

سیاست‌گذاری بهینه در بخش نفت و گاز در جهت تأمین منافع ملی کشور یکی از اهداف کلان کلیدی و مهم کشور در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. از منظر اسناد بالادستی نظام نیز ابلاغ سیاست‌های کلی بخش نفت و گاز یکی از دلایل اهمیت این موضوع است. هر چند سیاست‌گذاری در چارچوب سیاست‌های کلی در بخش نفت و گاز صورت می‌گیرد اما این پرسش همواره مطرح خواهد بود که آیا سیاست‌های اجرایی کلان بخش نفت و گاز در کشور تا چه اندازه به عنوان یک سیاست‌گذاری بهینه با هدف تأمین منافع نسل فعلی و نسل‌های آینده مطرح خواهند بود و اینکه آیا با توجه به شرایط فعلی کشور بویژه از بعد تحریم، می‌توان اولویتی برای این سیاست‌ها از جنبه استراتژیک قائل شد؟ به طور قطع هر نوع سیاست‌گذاری در هنگام اجرا به دلیل برخی مشکلات و موانع اعم از اقتصادی، ساختاری یا فنی می‌تواند ما را در رسیدن به اهداف بهینه کلان کشور دچار مشکل نماید و در نتیجه نتایج حاصل از عملکرد با اهداف از پیش تعیین شده با اختلاف همراه باشد (گزارش رهبردی، ۱۳۸۹).

شرکت ملی نفت ایران تولید از ۱۰ مخزن مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه را از سال‌های گذشته تاکنون آغاز کرده و این در حالی است که با گذشته ۱۰۳ سال از کشف طلای سیاه در ایران، تولید از ۱۸ مخزن هیدروکربوری مشترک هنوز آغاز نشده است.

ایران مجموعاً در ۱۸ میدان با ۶ کشور عراق، عربستان، قطر، امارات متحده عربی، عمان و کویت مشترک است که با عراق ۶ میدان (نفت شهر، دهلران، پایدار غرب، آذر، آزادگان و یادآوران)، عربستان ۴ میدان (اسفندیار، فروزان، فارس ۱ و فارس ۲)، قطر ۲ میدان (پارس جنوبی و رشادت)، امارات متحده عربی ۴ میدان (فرزام، نصرت، مبارک و سلمان) و عمان (میدان نفتی هنگام) و کویت (میدان نفتی آرش) هر کدام یک میدان مشترک نفت و گاز دارد.

¹ -Alexander

² - Koseoglu et al.

از آنجا که سطح قابلیت های تکنولوژی صنعت نفت کشور، هیچ گاه در اندازه توانمندی های لازم برای توسعه و تجاری سازی تکنولوژی های جدید و مورد نیاز این صنعت نبوده است. همین شکاف آشکار تکنولوژی، چندین دهه است که مدیران این صنعت را ناگزیر به سمت استفاده از تکنولوژی های وارداتی در قالب انواع و اقسام پروژه های انتقال تکنولوژی سوق داده است. از سوی دیگر، ادامه اتکای صرف به تکنولوژی وارداتی در صنعت نفت، کشور را در مقابل تهدیدات و تحریم های خارجی بسیار آسیب پذیر ساخته است (حجازیان و طباطبائیان، ۱۳۸۵).

بنابراین هدف از انجام این پژوهش این است که یکی از بخش های مهم و اثر گذار صنعت نفت و گاز یعنی میادین مشترک را مورد مطالعه قرار دهد و با استفاده از مدل های اجرای استراتژی به بررسی و شناسایی موانع استراتژیک در فعالیت طرح های توسعه میادین مشترک نفت و گاز (به عنوان بخش بالادست) بپردازد و جهت دقت نظر و برآوردهای دقیق فنی و علمی، میدان مشترک نفتی آذر در استان ایلام (شهرستان مهران) را که با کشور عراق مشترک است به عنوان مورد مطالعه انتخاب شده است.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- تعریف و مفهوم استراتژی و مدیریت استراتژیک

بد نیست ابتدا به ریشه لغوی استراتژی اشاره شود. واژه استراتژی^۳ از ریشه یونانی strategema به معنای فرمانده ارتش، مرکب از stratos به معنی ارتش و ago به معنای رهبر گرفته شده است. مفهوم استراتژی ابتدا به معنای فن، هدایت، تطبیق و هماهنگ سازی نیروها جهت نیل به اهداف جنگ در علوم نظامی بکار گرفته شد (رودول و تئو،^۴ ۲۰۱۰).

شاندلر^۵ (۱۹۶۲) استراتژی را به این صورت تعریف می کند: استراتژی عبارت است از یک طرح واحد، همه جانبه و تلفیقی که نقاط قوت و ضعف سازمان را با فرصت ها و تهدیدهای محیطی مربوط ساخته و دستیابی به اهداف اصلی سازمان را میسر می سازد. اندروز^۶ (۱۹۷۱) می گوید: استراتژی عبارت است از الگوی منظورها، مقاصد، اهداف، خطمشی های اصلی و طرح هایی جهت دستیابی به اهداف. میتزبرگ^۷ تعریف کوتاهی راجع به استراتژی ارائه داده است. از نظر وی استراتژی عبارت است از الگوی به جریان انداختن تصمیمات. در حال حاضر نیز در زبان فارسی واژه استراتژی را از نظر لغوی راهبرد معنی می کنند (هانگرو ویلن^۸، ۱۳۹۰).

مدیریت عبارت است از فرایند تضمین دستیابی سازمان به فواید ناشی از به کارگیری استراتژی های مناسب. طبق این بیان، یک استراتژی مناسب مطابق با نیازمندی های یک سازمان در زمان مشخص تعریف می شود (کلا و همکاران^۹، ۲۰۱۲). فرایند مدیریت استراتژیک شامل شش گام متوالی و مستمر است:

۱- تجزیه و تحلیل محیطی

۲- پایه گذاری جهت گیری سازمانی

^۳ - Strategy

^۴ - Rodwell and Teo

^۵ - Chandler

^۶ - Andrews

^۷ - Mintzberg

^۸ - Hunger & Wheelen

^۹ - Kala et al

۳- هدف‌گذاری

۴- تعیین و تدوین استراتژی‌ها

۵- بسترسازی و اجرای استراتژی‌ها

۶- کنترل استراتژی‌ها

یک مدیر استراتژیست باید هم به برنامه‌ریزی و هم به کنترل بپردازد، چرا که تنها یک غیر مدیر بدون برنامه‌ریزی، سعی در کنترل فعالیت‌ها می‌کند. لذا فرایند مدیریت استراتژیک به صورت زیر تعریف می‌شود: «مدیریت استراتژیک عبارت است از هنر و علم فرمول بندی، اجرا و ارزیابی تصمیمات چندبعدی-با تاکید بر یکپارچه سازی عوامل مدیریت، بازاریابی، امور مالی، تولید یا خدمات، تحقیق و توسعه و سیستم‌های اطلاعاتی و غیره- جهت رسیدن به اهداف سازمانی.» (تاروی^{۱۰}، ۲۰۱۳).

۲-۲- چالش‌های موجود در فرایند اجرای استراتژی‌ها

مدیران، برنامه‌ریزان و استراتژیست‌های سازمان‌ها عملاً در فرایند اجرای استراتژی‌ها با چالش‌های زیر مواجه اند (هربینیاک^{۱۱}، ۲۰۱۳).

۱- مدیران برای برنامه‌ریزی تعلیم دیده‌اند، نه برای اجرا.

مسئله اساسی این است که مدیران در خصوص تدوین استراتژی بیشتر می‌دانند تا در مورد اجرای آن. به‌عنوان مثال، در اغلب کلاس‌های مدیریت دانشجویان سر و کار زیادی با تدوین استراتژی و برنامه ریزی دارند. دوره‌های اصلی معمولاً عبارتند از استراتژی رقابتی، استراتژی بازاریابی، استراتژی مالی و نظیر آنها. چه تعدادی از دروس اصلی منحصراً مرتبط با اجرا و پیاده‌سازی است؟ معمولاً هیچ‌کدام. مسلماً به اجرا اشاره می‌شود اما به صورت اختصاصی، با جزئیات و هدفمند. تأکید به‌طور مشخص بر مفهوم و برنامه‌ریزی اولیه متمرکز است و نه انجام آن (هربینیاک، ۲۰۱۳).

۲- واگذاری اجرا به "زیردستان".

مسئله دیگر اینکه برخی مدیران ارشد عقیده دارند اجرای استراتژی، مربوط به زیردستان بوده و بهتر است به کارکنان سطوح پایین‌تر تفویض شود. برنامه‌ریزان که افرادی باهوش‌ترند، برنامه‌ها را تهیه می‌کنند و زیردستانی که به اندازه آنها باهوش نیستند، فقط باید متابعت کرده و کار را انجام دهند. این نگرش باعث می‌شود گروه مدیران، کارهای چالش‌انگیز و ابتکاری (برنامه‌ریزی) انجام دهند و در اجرا توپ را به زمین کارمندان سطح پایین‌تر بیندازند (هربینیاک، ۲۰۱۳).

۳- برنامه ریزی و اجرا، وابستگی متقابل دارند.

تدوین استراتژی و پیاده سازی، بخش‌هایی قابل تفکیک از مدیریت استراتژیک بوده و از هم جدا هستند. هر کدام می‌تواند هم به‌طور مفهومی و هم عملی، به‌صورت متمایز مورد بحث قرار گیرد. منطقاً، پیاده‌سازی به دنبال تدوین است. عملیاتی کردن استراتژی متضمن وجود استراتژی است، اما تدوین و پیاده‌سازی نیز به عنوان قسمتی از فرایند کلی برنامه‌ریزی، اجرا، مطابقت، وابستگی متقابل دارند. در عوض، اجرای استراتژی در طول زمان، تغییراتی روی استراتژی و برنامه‌ریزی اعمال می‌کند (هربینیاک، ۲۰۱۳).

۴- اجرایی کردن یک استراتژی نسبت به تدوین آن، فرایندی است که زمان بیشتری نیاز دارد.

هرچه این چارچوب زمانی برای اجرا طولانی‌تر باشد، کار مدیران در تمرکز و کنترل بر فرایندهای اجرا دشوارتر خواهد بود زیرا ممکن است بسیاری از امور و وقایع پیش‌بینی نشده به وقوع پیوسته و مدیران را به چالش بکشاند. به‌عنوان مثال، نرخ بهره ممکن است نوسان کند؛ رقبا ممکن است به شکلی که پیش‌بینی شده بود، رفتار نکنند؛ مشتریان نیاز به تغییرات داشته باشند؛

¹⁰ - Turvey

¹¹ - Hrebiniak

افراد کلیدی شرکت را ترک کنند و غیره. پیامدهای تغییرات در استراتژی و روش‌های اجرای آن، همواره بسادگی قابل پیش‌بینی و تعیین نیستند زیرا رخدادهایی کنترل نشده و مزاحم وجود دارد (هربینیاک، ۲۰۱۳).

۵- اجرای استراتژی، افراد بیشتری را نسبت به تدوین استراتژی درگیر می‌کند.

ارتباطات بالا به پایین در سازمان و یا در میان قسمت‌های مختلف، می‌تواند چالش به‌وجود آورد. اطمینان یافتن از اینکه مشوق‌ها در سراسر سازمان به مدد اجرایی کردن استراتژی می‌آیند، لزوماً و به صورت بالقوه مشکل تلقی می‌شود. پیوند برقرار کردن بین اهداف استراتژیک و اهداف روزمره و همچنین پرداختن به کارمندان سازمان در سطوح و موقعیت‌های مختلف آن، رسالتی مشروع اما چالش برانگیز است. هرچه تعداد افراد درگیر در این فرایند بیشتر باشد، چالش برای اجرای موفق استراتژی بزرگ‌تر خواهد بود (هربینیاک، ۲۰۱۳).

۲-۳- صنعت نفت، پیشران توسعه اقتصادی کشور

بررسی ساختار صنعت نفت در کشورهای مختلف جهان، دو الگوی مختلف توسعه را نشان می‌دهد. این دو مدل عبارتند از: الگوی "منبع پایه" و الگوی "دانش پایه". الگوی نخست عمدتاً بر اساس نگاه بنگاه اقتصادی به صنعت نفت بوده و حول بهره‌برداری از مخازن نفت و گاز به وسیله تکنولوژی وارداتی و سرمایه خارجی متمرکز است. هدف اصلی از این الگو، حد اکثرسازی درآمد ناشی از فروش نفت خام و گاز طبیعی است. اما الگوی دوم، مبتنی بر ایجاد قابلیت‌ها و زیرساخت‌های تکنولوژیکی به منظور بهره‌برداری بهینه از مخازن نفت و گاز و تبدیل این منابع طبیعی به محصولاتی با ارزش افزوده بالاتر و همچنین فروش تکنولوژی و فناوری است.

متأسفانه الگوی غالب صنعت نفت کشور از ابتدا تا کنون، الگوی فروش منابع طبیعی با تکیه بر دانش، تکنولوژی و سرمایه خارجی و به عبارت دیگر الگوی بهره‌برداری بوده است. این الگو تا کنون موانعی را در مسیر توسعه پایدار این صنعت ایجاد کرده است و با توجه به روند فعلی می‌تواند به عنوان یکی از تهدیدات اساسی آینده در سطح این صنعت قلمداد شود. مسئله مهم چشم انداز بیست ساله صنعت نفت و برنامه‌های راهبردی متعاقب آن، جستجوی راهی برای تغییر سنت یا پارادایمی است که کشور ایران در آن بهره‌بردار فناوری‌ها و توانمندی‌های علمی و فنی وارداتی و تنها فروشنده منابع خام است. به بیان دیگر ارزیابی فناوری صنعت نفت و چگونگی تغییر جهت فرآیندهای صنعت نفت از منابع پایه به دانش پایه از مباحث اساسی در آینده صنعت نفت خواهد بود.

از این رو در فضای پیچیده کنونی که هم سرعت تغییرات در آن بسیار است و هم تعداد متغیرهای درونی و برونی موثر بر فعالیت‌ها رو به فزونی گذاشته، نیاز به باز تعریف مجدد اهداف و تبیین دقیق و مدبرانه راه‌های مختلف دسترسی به اهداف، اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. در فضای پر رقابت امروز، تنها مجموعه‌ای امکان ادامه بقا را خواهد داشت که علاوه بر دارا بودن ساز و کارهای لازم برای آگاهی سریع از تغییرات، توان پاسخگویی و واکنش سریع به آنها را نیز دارا باشد. چرا که در غیر این صورت امکان زیادی برای بقا در عرصه رقابت نخواهد داشت.

در این میان بخشها و فعالیتهایی مانند صنعت نفت به دلیل تماس دایمی با مصرف کنندگان از یک سو و فشار غالب تحولات محیطی و نقش آن در اقتصاد کشور از دیگر سو، از درجه حساسیت بسیار بالاتری برخوردارند. و لازم است که مدیران ارشد، در پی تمهیدات اندیشمندانه و بلند مدت برای برآوردن انتظارات تمامی ذینفعان استراتژیک خود بوده و با داشتن چشم انداز، استراتژی و نظام برنامه‌ریزی استراتژیک، برای دستیابی موفقیت آمیز به اهداف کمی و کیفی تعریف شده در افق چشم اندازی مطلوب، تلاش نمایند. چشم اندازی که با ارائه تصویری از آینده مطلوب، نتایج حاصل از آن مثبت و متناسب با امکانات، قابلیت‌ها و منابع بوده و به توسعه پایدار بیانجامد.

اکنون پیشرفت متوازن و توسعه پایدار نفت، اجتناب ناپذیر و افزایش بهره‌وری و رشد فعالیت‌های توسعه‌ای متوقف شدنی نیست. فرآیندی که در آن جهت‌گیری سرمایه‌گذاری، جهت‌گیری تکنولوژی، اختصاص منابع و توسعه و عملکرد موسسات به

نحوی باشد که نیازها و خواسته‌های حاضر، بدون به مخاطره انداختن ظرفیت منابع طبیعی برای جذب آثار بیشتر و بدون گرفتن توان نسل‌های آینده، برای رفع نیازها و خواسته‌های نسل امروز تامین گردد.

هدف متعالی‌ای که تحقق آن تنها با ارتقاء مستمر دانش و مهارت‌های تخصصی و استفاده از منابع انسانی مومن، کارآمد، خلاق و مسئولیت پذیر میسر است. حال که صنعت نفت کشور با جانمایه‌ها و تجارب گرانبها رو به سوی آینده روشن‌تر و باشکوه‌تر قرار دارد باید با عزم و تلاش فراگیر و مضاعف، دو شادوش همه آحاد ملت بزرگوار ایران، همسو با اهداف سند چشم‌انداز توسعه بیست ساله و برنامه پنجم توسعه به هموار سازی راهی بپردازیم که کاروان توسعه و پیشرفت ایران اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی قصد عبور از آن را دارد و صنعت نفت به عنوان "پیشران توسعه اقتصادی" نقش مهمی در آن ایفا می‌نماید.

۲-۴- برخی مخازن هیدروکربوری مشترک

جمهوری اسلامی ایران هم‌اکنون بیش از ۱۵ میدان نفتی مشترک با کشورهای همسایه دارد و با توجه به عدم محدودیت برداشت کشورها از میادین مشترک، بدون شک موضوع توسعه میادین مشترک نفتی و گازی مهم‌ترین اولویت وزارت نفت به شمار می‌رود.

با توجه به تاکیدهای فراوان بر توسعه میادین نفتی مشترک پرداختن به این موضوع که این میادین دقیقاً با کدام کشورها مشترک است و در کدام مناطق قرار دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. در حال حاضر بیش از ۱۵ مخزن نفتی مشترک بین ایران و کشورهای همسایه وجود دارد که در این بین مخازن مشترک واقع در خشکی در همجواری کشور عراق قرار دارد و سایر مخازن در خلیج فارس و دریای عمان واقع‌اند. نام و مشخصات کلی میدان‌های مشترک نفتی و گازی ایران با کشورهای منطقه در ادامه می‌آید.

الف- میدان‌های مشترک با عراق

۱- نفت شهر: در فاصله ۱۰۰ کیلومتر شمال غربی ایلام و ۲۲۵ کیلومتری جنوب غربی کرمانشاه و ۶۰ کیلومتری قصرشیرین قرار گرفته‌است. این میدان نفتی در سال ۱۹۲۳ میلادی (۱۳۰۲ شمسی) در طاق‌دیس نفت شهر کشف شد. در حال حاضر میدان نفت شهر تنها میدان نفتی در حال تولید استان کرمانشاه بوده که دارای ۶۹۲ میلیون بشکه ذخیره نفت خام است.

۲- دهلران: یکی از میادین نفتی ایران است که در ۲۲ کیلومتری جنوب غربی دهلران در استان ایلام قرار دارد. میزان نفت خام این میدان ۴۲۱۲ میلیون بشکه برآورد می‌شود از این مقدار ۶۳۵ میلیون بشکه آن قابل استحصال است. این میدان در سال ۱۳۵۱ و توسط شرکت نفت ایران کشف و اولین چاه آن در عمق ۶۷۵ متری حفاری شد. یک سال بعد دومین چاه در فاصله ۱۰ کیلومتری مرز ایران و عراق تا عمق ۴۳۰۰ متر حفاری شد. در طول جنگ ایران و عراق این میدان مورد حمله قرار گرفت و آسیب دید که موجب قطع تولید نفت آن شد. امتداد ایران در خاک عراق، میدان ابوغریب قرار دارد.

۳- پایدار غرب: یکی از میدان‌های نفتی ایران است که در سال ۱۳۵۹ کشف شد. نفت این میدان از نوع سنگین است و فشار طبیعی مخزن آن پاسخگوی فشار لازم برای استخراج نفت نیست از این‌رو استفاده از تلمبه بر سر چاه اجتناب‌ناپذیر است. ایران در سال ۱۳۸۸ روزانه بین ۲۴ تا ۲۵ هزار بشکه نفت از این میدان برداشت کرده است این میدان در مجاورت میدان فکه کشور عراق قرار دارد.

۴- آذر: یکی از میدان‌های نفتی ایران است. این میدان نفتی در شرق شهرستان مهران استان ایلام واقع شده و مخزن این میدان با میدان نفتی بدرای کشور عراق مشترک است و در امتداد شمال غربی میدان مستقل چنگوله واقع است. این میدان دارای دو میلیارد و ۵۰۰ بشکه نفت خام درجاست. میزان نفت قابل استحصال از این میدان ۴۰۰ میلیون بشکه نفت برآورد می‌شود. طرح توسعه‌ی این میدان در سال ۱۳۸۷ به تصویب هیئت مدیره‌ی شرکت ملی نفت رسیده است. هدف از توسعه‌ی این میدان تولید ۶۵ هزار بشکه نفت در روز طی ۲ فاز است. در طرف عراقی، توسعه‌ی

این میدان با نام بدره به کنسرسیومی از شرکت‌های بین‌المللی، به رهبری گازپروم روسیه، واگذار شده است. ذخیره‌ی قابل استحصال میدان در بخش عراقی ۱۰۰ میلیون بشکه و هدف آن تولید ۱۷۰ هزار بشکه در روز برآورد شده است.

۵- آزادگان: بزرگ‌ترین میدان نفتی ایران و یکی از بزرگ‌ترین میادین نفتی جهان است که کشف آن به سال ۱۳۷۶ باز می‌گردد و در محدوده‌ای به وسعت ۲۰ در ۷۵ کیلومتر، در ۱۰۰ کیلومتری غرب اهواز در منطقه دشت آزادگان واقع است. ظرفیت این میدان ۳۳ میلیارد بشکه تخمین زده شده بود. در سال ۱۳۷۸ لایه جدید نفتی با ظرفیت ۲/۲ میلیارد بشکه در این میدان کشف شد. این میدان دارای دو بخش شمالی و جنوبی است. از سال ۱۳۸۷ تولید نفت از بخش جنوبی با ظرفیت ۲۵ هزار بشکه نفت در روز شروع شده است. بخش شمالی میدان در مجاورت میدان مجنون عراق قرار دارد.

۶- یادآوران: یکی از میدان‌های نفتی ایران است که در ۷۰ کیلومتری جنوب غربی اهواز و شمال واقع است. ابعاد میدان ۱۵ در ۴۵ کیلومتر است. حجم نفت درجای این میدان نفتی ۱۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون بشکه برآورد می‌شود. این میدان در مجاورت میدان سنباد که یکی از میدان‌های نفتی عراق است قرار دارد. از این میدان دو نوع نفت سنگین (API ۱۸) و نفت سبک (API ۳۸) به ترتیب از دو لایه سروک و فهلیان تولید می‌شود. نفت استخراج شده به دارخوین منتقل می‌گردد.

ب- میدان‌های مشترک با عربستان

۱- اسفندیار: یکی از میدان‌های نفتی ایران است که دارای مخزن مشترک با عربستان سعودی بوده که بخش عربی آن میدان نفتی لولو نام دارد و در فاصله ۹۵ کیلومتری جنوب غربی جزیره خارک واقع شده است. نفت این میدان دارای درجه سبکی ۳۰ است. این میدان دارای ۵۳۲ میلیون بشکه نفت خام درجاست.

۲- فروزان: یکی از میادین مشترک ایران در منطقه خلیج فارس است که در ناحیه خارک با کشور عربستان مشترک است. اجرای طرح توسعه میدان فروزان که عرب‌ها آن را «مرجان» نامیده‌اند، افزایش تولید نفت خام به میزان ۶۵ هزار بشکه در روز، ساخت تاسیسات جدید برای ارسال گازهای همراه نفت به جزیره خارک به منظور جلوگیری از سوزاندن آن، بررسی ظرفیت افزایش بیشتر تولید فروزان و شناسایی لایه‌های جدید تولیدی آن اعلام شده است. میدان نفتی فارس ۱ و فارس ۲ نیز میدان‌های نفتی مشترک با عربستان هستند.

ج- میدان‌های نفتی مشترک با امارات

۱- فرزام: بخش بسیار کوچکی از میدان «فلاح امارات متحده عربی» است که در آب‌های ایران «ناحیه سیری» واقع شده است. این میدان در کنار میادین سیوند، دنا، نصرت و الوند قرار دارد.

۲- نصرت: در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی جزیره سیری در خلیج فارس واقع شده و با کشور امارات متحده عربی مشترک است. سازند سروک آن حاوی نفت بوده (مخزن اصلی) و سازندهای دالان و فراقون حاوی گاز ناخالص هستند. ذخایر قابل استحصال این میدان ۹/۲ تا ۸/۵ میلیارد بشکه تخمین زده شده است.

۳- مبارک: یکی از میادین نفتی مشترک بین ایران و امارات متحده عربی است. بخش اماراتی این میدان از سال ۱۹۷۴ تولید نفت را شروع کرده و تولید نفت آن در حدود این ۳۰ سال در سطح ۶۰ هزار بشکه نفت حفظ شده است.

۴- سلمان: یکی از میادین قابل توجه ایران از نظر ذخایر نفت و گاز به حساب می‌آید. حجم نفت قابل استحصال از میدان سلمان حدود ۱/۶ میلیارد بشکه می‌باشد هم‌اکنون نفت قابل تولید باقیمانده در این مخزن بیش از نیم میلیارد بشکه است.

د- میدان‌های نفتی مشترک با قطر

- ۱- میدان گازی پارس جنوبی (در قطر: گنبد شمالی): بزرگ‌ترین میدان گازی جهان است که در خلیج فارس و در آب‌های سرزمینی ایران و قطر واقع شده است. این میدان گازی بین ایران و قطر مشترک بوده و در کشور قطر، میدان گازی گنبد شمالی نام دارد. ایران و قطر از ابتدای برداشت از این میدان مشترک همواره در رقابت برای برتری در بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی این میدان بودند. در پاییز سال ۱۳۹۱ ایران در حال برداشت روزانه ۳۰۰ میلیون مترمکعب از ذخایر این میدان بوده که ۷۰ میلیون مترمکعب کمتر از شریک خود در این میدان برداشت می‌کند.
- ۲- میدان رشادت: یکی از میدان‌های نفتی ایران است که در ۱۰۸ کیلومتری جنوب غربی جزیره لاوان و در میان آب‌های خلیج فارس است. بهره‌برداری از این میدان از سال ۱۳۴۷ آغاز شد. در حال حاضر استخراج و تولید نفت تنها از سکوی R در جریان می‌باشد و سایر سکوها غیرعملیاتی است. این سکو نیز باید پس از بهره‌برداری از چاه‌های جدید از کاربری خارج شود.

ه- میدان نفتی هنگام (مشترک با عمان): یا میدان نفتی بوخای غربی تنها میدان نفتی مشترک بین ایران و عمان است. هنگام دارای نفت فرار با درجه API ۴۲ می‌باشد و نفت خام درجای آن بیش از ۷۰۰ میلیون بشکه و گاز طبیعی درجای آن حدود دو تریلیون فوت مکعب است.

و- میدان نفتی آرش: این میدان گازی از میادین مشترک ایران با کشورهای کویت و عربستان است. ذخیره در جای گاز میدان آرش یک میلیارد فوت مکعب و ذخیره نفت درجای این میدان نیز نزدیک به ۳۱۰ میلیون بشکه برآورد می‌شود. ایران سهم خود از این میدان را ۴۲ میلیون بشکه نفت خام و ۶۵/۵ میلیون بشکه میعانات گازی تخمین زده است.

۲-۵ موانع توسعه صنعت نفت و گاز

۱- تحریم‌ها

امروزه محققان و مترجمان علوم اجتماعی، به ویژه جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و حقوق و روابط بین الملل، برای توصیف صورتی از تعاملات و مناسبات بین گروه‌های اجتماعی یا ملت‌ها و دولت‌ها اصطلاح تحریم را به کار می‌برند. از این منظر تحریم عمل دسته جمعی و کیفی است که متضمن اقدامات لازم دیپلماتیک، اقتصادی یا نظامی در برابر کشوری است که بر خلاف مصوبات منشور ملل متحد رفتار کرده است.

تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای تأمین منافع سیاست خارجی یک کشور، در میانه طیفی قرار می‌گیرد که در یک سوی آن سختترین اقدامات قهرآمیز مانند کاربرد نیروی نظامی، فعالیت‌های پنهانی یا تهدید به زور است و در سوی دیگر، طیف تدابیر دیپلماتیک، اخراج دیپلمات‌ها، احضار سفیر، اعتراض رسمی دیپلماتیک و به تعلیق در آوردن مبادلات فرهنگی قرار دارد. به عبارتی، تحریم‌ها در میانه این طیف قرار داشته و به جای آنها می‌نشینند (کاپروس و مانتزوس ۱۲، ۲۰۱۳). فرضیه اول: تحریم‌های نفتی بر فعالیت‌های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار است.

۲- عوامل مدیریتی

مدیران پویا و کارآمد امروزه میبایست علاوه بر وظایفی مانند برنامه‌ریزی، سازماندهی و نظارت، اثربخشی و بکارگیری علم تغییر و تحول سازمانی را نیز سرلوحه امور خود قرار دهند. امروزه در سطح گسترده و عمومی، سازمان‌ها با تغییر و تحول مواجه‌اند در حالی که برخی از آنان برای سازگاری و همسازی با اینگونه تغییر و تحولات آماده نمی‌باشند. بنابراین مدیریت سازمان‌ها علاوه بر اینکه باید در برابر محیط متغیر، سازگار و انعطاف پذیر باشند بلکه باید توانایی تشخیص مشکلات و بکارگیری برنامه‌های

¹² - Capros and Mantzos

تغییر و تحول سازمانی را دارا باشند. زیرا سازمانها ایستا نیستند و به طور مداوم و مستمر با عوامل خارجی و درونی در کشمکش می‌باشند.

آنچه مدیران موفق را از دیگران مدیران متمایز می‌نماید، آگاهی و داشتن دانش روز و درک و شناسایی بهینه امکانات و فرصت‌ها و همچنین تشخیص درست موانع موجود سازمان بوده و عدم توفیق در هر یک از موارد بالا می‌تواند به عنوان مانع‌ای بر سر راه پیشرفت و توسعه سازمان باشد (کاشانی، ۱۳۹۲).

فرضیه دوم: عوامل مدیریتی بر فعالیت‌های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار است.

۳- عوامل مرتبط با مدیریت منابع انسانی

هر عنصری از تاریخ بشر ارزش‌های ویژه‌ای دارد که شاخص آن دوره است. به نظر می‌رسد ویژگی عصر ما جهانی شدن باشد که ناظر بر حرکت در مسیر گسترش هرچه بیشتر ارتباطات انسانی در عرصه جهانی است. در چنین عرصه‌ای به باور بسیاری از صاحب نظران داشتن منابع انسانی توانمند، خلاق و ارزش آفرین، سلاح اصلی مدیران در رقابت خواهد بود. آینده از آن سازمانی خواهد بود که بتواند چنین ظرفیت‌هایی را در منابع انسانی خود ایجاد نماید. در چنین فضایی آن چنان که لادو^{۱۳} و ویلسون^{۱۴} می‌گویند یک نظام مدیریت منابع انسانی جامع، در مزیت رقابتی مستمر نقش اساسی دارد. در میان فعالیت‌های متنوع مدیریت منابع انسانی، توسعه انسانی از متعارف‌ترین و هزینه‌برترین فعالیت‌های مدیریت منابع انسانی به حساب می‌آید. این فعالیت شامل فراگیری مهارت‌های جدید، بهبود مهارت‌های موجود و رفتارها و روش‌های مؤثر انجام کار است. توسعه منابع انسانی به آموزش و توسعه فعالیت‌های انسانی در سازمان‌ها مرتبط است و به سازمان‌ها کمک می‌کند تا شرایط فرهنگی خاص را ایجاد کنند که در آن کارکنان به پتانسیل بالقوه برای بهره‌مند شدن از افراد و سازمانها دست یابند و در این حالت توسعه منابع انسانی خود را به صورت خیلی نزدیک با توسعه سازمان در یک راستا هماهنگ می‌بینند (کاشانی، ۱۳۹۲).

با توجه به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه ایران باید کشوری توسعه یافته با جایگاه اول علمی، اقتصادی و فناوری در منطقه و در تعامل با جهان باشد، صنعت نفت به عنوان مهمترین صنعت و به عبارتی استراتژیک‌ترین صنعت کشور نقش عمده و اصلی در دستیابی به این چشم‌انداز را دارد. در این راستا، صنعت نفت سند چشم‌انداز بیست ساله را به منظور مشخص نمودن اصول و خطوط راهنمای خود ترسیم نمود. دستیابی به هر یک از این اهداف کلان و بلندمدت نیازمند دیدگاه کلان و گسترده در همه بخش‌ها جهت رشد متوازن می‌باشد. از مهمترین ابعادی که می‌تواند تمامی بخش‌ها و زیر بخش‌های صنعت نفت را تحت تأثیر قرار دهد، حوزه منابع انسانی است. این الزامات نیازمند نیروی انسانی با دانش، توسعه یافته، خلاق و نوآور می‌باشد تا بتواند با نیازهای صنعت و الزامات مدنظر منطبق گردد (سید جوادین، ۱۳۸۹).

فرضیه سوم: عوامل مرتبط با منابع انسانی بر فعالیت‌های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار است.

۴- عوامل مرتبط با بهره‌وری

امروزه ارتقای بهره‌وری موثرترین و کارآترین روش دستیابی به رشد تولید مستمر است. بخش نفت با توجه به سهم قابل ملاحظه آن در تولید ناخالص داخلی ایران می‌تواند در تحقق اهداف تعیین شده در زمینه رشد اقتصادی و بهره‌وری در برنامه پنجم توسعه نقش موثری داشته باشد. عملکرد دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۲ نشانگر آن است که ارزش افزوده این بخش بطور متوسط سالانه ۱/۳ درصد افزایش یافته که پایین‌تر از میانگین کل اقتصاد بوده و سهم آن در تولید ناخالص داخلی کشور کاهش یافته است و مانع از رشد اقتصادی بیشتر در کشور شده است. با تغییر رویکرد بخش نفت به سمت استراتژی ارتقای بهره‌وری می‌توان هم از منابع این بخش استفاده کاراتری داشت و هم به رشد سریع و مستمر اقتصاد کشور و تحقق اهداف سند چشم‌انداز در

¹³ - Lado

¹⁴ - Wilson

زمینه دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری کمک نمود (معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، ۱۳۹۳).

فرضیه چهارم: عوامل مرتبط با بهره‌وری بر فعالیت‌های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار است.

با توجه به موارد ذکر شده، در این بخش پیشینه تحقیق اراده می‌شود:

آلنو و آکانکلی^{۱۵} (۲۰۱۴) تحقیقی با هدف بررسی موانع و چالش‌های محیطی موجود بر سر راه صنعت نفت و گاز نیجریه و تبدیل آنها به فرصت‌ها و منافع برای افزایش سرمایه‌گذاری در این صنعت انجام دادند. نتایج بیانگر این امر هست که در کشور نیجریه مهمترین موانع توسعه صنعت نفت و گاز، اختلافات داخلی، عدم درک مناسب از اهمیت توسعه صنعت نفت و گاز توسط مدیران ارشد حکومتی و دولتی و عدم آشنایی کارکنان و مردم با رویکر و لزوم توسعه این صنعت می‌باشد. نتایج تحقیقات تسادو و همکاران^{۱۶} (۲۰۱۴) نشان داد که مهمترین مانع توسعه فعالیت‌های شرکت بزرگ شل در نیجریه، عدم توجه این شرکت به محیط زیست منطقه و نادیده گرفتن محیط زندگی بومیان منطقه که بر گرفته از عدم درک مناسب استراتژی‌های توسعه توسط مدیران شرکت شل بوده است.

چترج^{۱۷} (۲۰۱۱) مقاله‌ای تحت عنوان غلبه بر موانع توسعه و تأمین مالی میادین گاز پروژه شیل در هند انجام دادند. نتایج نشان دهنده پنج موانع اولیه بود: ریسک نظارتی و قانونی، خطرات زیست محیطی، ریسک بازار، ریسک کسب زمین و خطر در دسترس بودن سرمایه به دلیل بحران مالی جهانی اخیر.

نتایج تحقیقات لوکاتلی^{۱۸} (۲۰۰۹) در مورد بررسی موانع استراتژی‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی بین‌المللی در روسیه منجر به شناسایی سه عامل به عنوان مهمترین موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی شد که عبارتند از: ۱- تصمیم‌گیری‌های پیچیده در سطح دولت به منظور تأیید یا عدم تأیید سرمایه‌گذاران؛ ۲- اصاحات صورت گرفته در بخش خصوصی که بحث حقوق مالکیت را مطرح کرده و در نتیجه امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را مشکل کرده است؛ ۳- استفاده دولت از صنعت نفت به عنوان ابزار سیاسی.

طالبیان و فاضلی (۱۳۹۲) مقاله‌ای تحت عنوان اهمیت راهبردی تحلیل پیامدهای اجتماعی دیدگاه‌های نظری حاکم بر توسعه صنعت نفت و گاز انجام دادند. این مقاله ضمن بررسی شواهدی از نارضایتی اجتماعات محلی از شیوه توسعه صنعت نفت در این مناطق، علل بروز این نارضایتی را بررسی و سپس با تحلیل رویکردهای نظری حاکم بر این شیوه از توسعه، علل بروز مشکلات را تبیین می‌کند. استدلال اساسی مقاله این است که برنامه‌ریزی توسعه بر مبنای الگوی قطب رشد و با جهت‌گیری نیاز مبنای سبب شده است ظرفیت‌های اجتماعات بومی برای مشارکت در جریان توسعه نادیده گرفته شود.

معظی و سرعتی آشتیانی (۱۳۹۱) تحقیقی با هدف بررسی تحریم‌ها علیه ایران و اثرات تحریم‌های اخیر بر صنعت نفت بر اساس مدل SWOT و به روش مطالعات کتابخانه‌ای انجام دادند. نتایج این مطالعه، بر اساس مدل SWOT، علاوه بر شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید صنعت نفت ایران در شرایط تحریم، راهبردهای برون رفت از این محدودیت‌ها را در قالب چهار گروه، به مدیران صنعت نفت کشور ارائه می‌دهد، تا در صدر برنامه‌های خود قرار دهند. مهمترین آنها عبارتند از: تغییر در روش‌های سرمایه‌گذاری، تغییر در گفتمان بین‌المللی، اعتمادسازی برای جذب نقدینگی و تقویت بخش‌های خصوصی، توجه به نیروهای دانشی، تنوع در نحوه تأمین مالی و تمرکز بر بازاریابی.

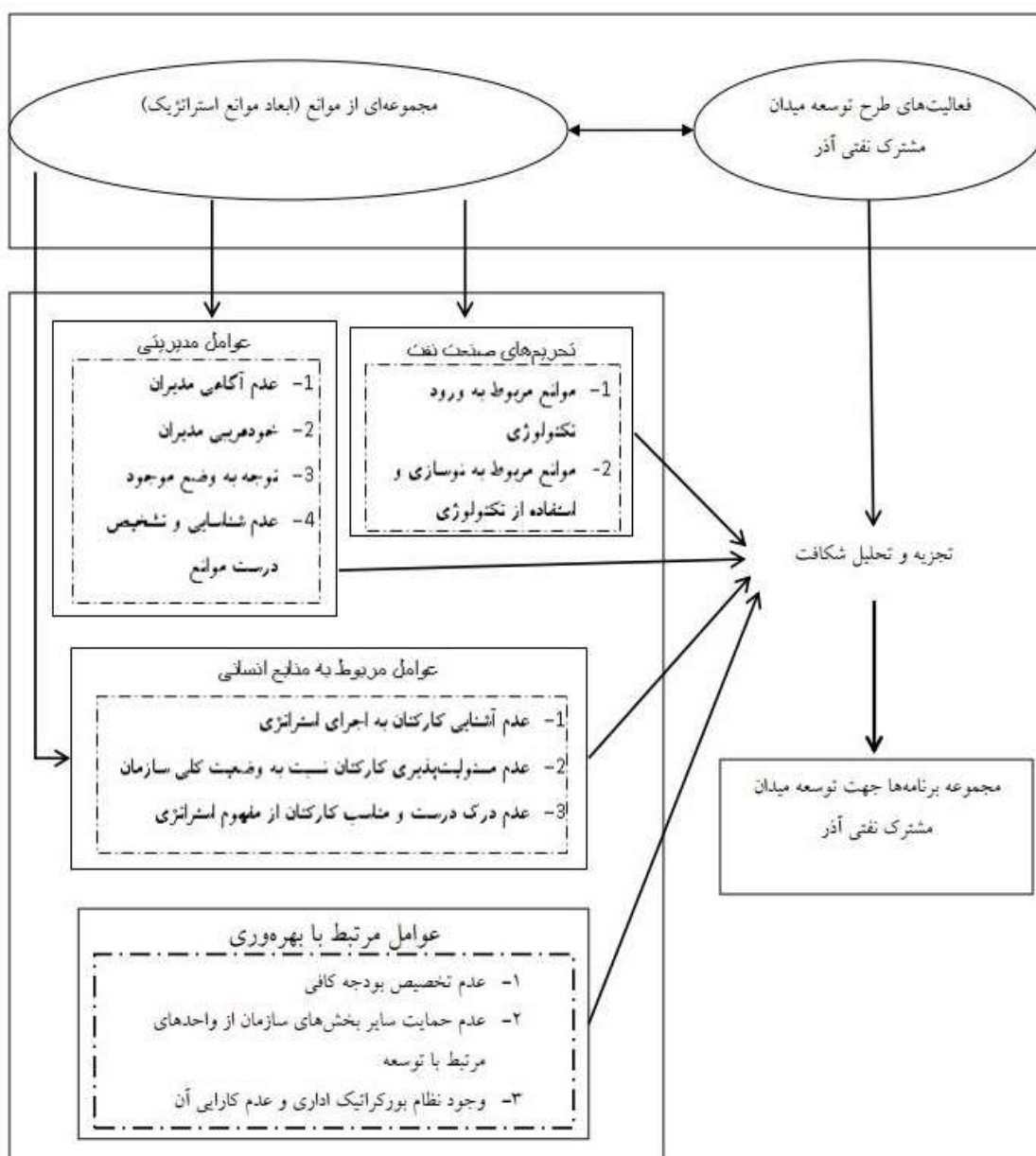
¹⁵ - Elenwo and Akankali

¹⁶ - Tsado et al

¹⁷ - Chatterjee

¹⁸ - Locatelli

مدرسی (۱۳۸۹) مقاله‌ای با عنوان توسعه صنعت نفت و گاز ایران: موانع، چالش‌ها و فرصت‌ها انجام داد. نتایج تحقیق منجر به شناسایی ۳ مانع ۱- علاوه بر کمبود منابع که مهم‌ترین مانع توسعه صنعت نفت می‌باشد، عدم تخصیص بهینه منابع موجود که نتیجه نبود یک نظام اجرایی مبتنی بر نظارت، کنترل و بودجه ریزی عملیاتی است نیز از موانع اصلی توسعه این صنعت به شمار می‌رود. ۲- نبود یک نظام جامع اجرایی در دو بعد عرضه و تقاضا، از موانع دیگر توسعه این صنعت است؛ ۳- بهینه سازی مصرف انرژی و سرمایه‌گذاری در توسعه صنایع مصرف کننده انرژی که در نتیجه اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و اصلاح قیمت انرژی حاصل می‌شود، یکی از فرصت‌هایی است که پیش روی مسئولین کشور قرار گرفته است. بر اساس فرضیه چهارم، مدل مفهومی تحقیق عبارت است از :



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق (بر اساس مدل اشربلنت و همکاران، ۲۰۰۶، ۲۱۶)

۳- روش شناسی تحقیق

۳-۱- روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است و نتایج آن می تواند توسط شرکت ملی نفت، شرکت مهندس و توسعه نفت و دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی مورد استفاده قرار گیرد.

این تحقیق از نظر نحوه گردآوری داده ها به روش توصیفی- پیمایشی انجام می شود که شامل سه بخش است:

الف) انجام مطالعات کتابخانه ای در مورد مدیریت استراتژی وموانع اجرای آن، مفهوم توسعه و لزوم توجه به آن و اهمیت توسعه فعالیت های صنعت نفت، شامل مطالعه مقالات و کتب داخلی و خارجی و بررسی تحقیقات میدانی که در گذشته در این حوزه انجام شده است.

ب) طراحی و توزیع پرسشنامه تحقیق بر اساس فرضیات تحقیق، مطالعات اسنادی و بهره مندی از دیدگاه های استادان، صاحب نظران و مدیران اجرایی.

ج) تحلیل نتایج پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS

۳-۲- جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل مدیران و کارشناسان مرتبط با توسعه میدانی مشترک شرکت مهندسی و توسعه نفت می باشد، که طبق اعلام روابط عمومی شرکت مذکور تعداد آنها در زمان انجام این تحقیق، در مجموع ۱۴۶ نفر می باشد.

در این تحقیق به دلیل عدم دسترسی به همه افراد جامعه از روش نمونه گیری تصادفی در دسترس برای انتخاب نمونه استفاده کرده ایم. تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۱۰۵ نفر بود که در این تحقیق به منظورطمینان از بازگشت حداقل ۱۰۵ پرسشنامه تعداد ۱۱۵ پرسشنامه توزیع شد که از این بین ۱۱۱ پرسشنامه به صورت کامل تکمیل شد.

۳-۳- روش گردآوری داده ها

در این پژوهش برای جمع آوری داده های مربوط به متغیر مستقل یعنی موانع استراتژیک توسعه میدانی مشترک از پرسشنامه محقق ساخته که بر اساس مطالعات پیشین و همچنین نظر چند تن از کارشناسان حوزه توسعه میدانی مشترک طراحی شده است و دارای ۴ مؤلفه و ۳۹ گویه می باشد، استفاده شد.

متغیر وابسته یعنی توسعه میدان مشترک نفتی آذر نیز از نمره ای که از تمامی سوالات پرسشنامه مذکور بدست می آید محاسبه می شود. به نحوی که در صورتی که نمره بدست آمده از پرسشنامه بین ۳۹ تا ۷۸ باشد. توسعه میدان از دید کارشناسان این حوزه در شرایط مطلوب قرار دارد و اگر بیشتر از ۷۸ باشد نامطلوب است.

۳-۴- تجزیه و تحلیل داده ها

برای آزمون فرضیات تحقیق در این پژوهش از آزمون رگرسیون خطی ساده و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

۴- یافته های تحقیق

۴-۱- بررسی آزمون فرضیه اول

فرضیه های آماری آزمون فوق عبارتند از:

H_0 : تحریم های نفتی بر فعالیت های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار نیست.

H_1 : تحریم های نفتی بر فعالیت های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار است.

نتایج حاصل از تحلیل فرضیه فوق در جدول (۱) آورده شده است:

جدول (۱) نتایج آزمون رگرسیون خطی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	T	سطح معنی دار
	B	خطای استاندارد	بتا		
مقدار ثابت	۸۲/۵۲۰	۱۱/۹۸۶		۶/۸۸۵	۰/۰۰۰
فرضیه اول تحریم‌های نفتی	-۲/۳۶۰	۰/۳۴۰	-۰/۵۵۴	۶/۹۵۰	۰/۰۰۰

با توجه به ضریب بتای محاسبه شده و همچنین با توجه به اینکه در آزمون معنی داری ضریب β بین دو متغیر، "تحریم‌های نفتی" و "توسعه میدان مشترک نفتی آذر"، سطح معنی داری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا (۰/۰۵) است، لذا فرضیه H صفر در سطح ۰/۰۵ پذیرفته نمی‌شود. به عبارت دیگر با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت رابطه معنی دار خطی بین دو متغیر "تحریم‌های نفتی" و "توسعه میدان مشترک نفتی آذر" در جامعه آماری تحقیق وجود دارد.

۴-۲- بررسی آزمون فرضیه دوم

فرضیه‌های آماری آزمون فوق عبارتند از:

H_0 : عوامل مدیریتی بر فعالیت‌های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار نیست

H_1 : عوامل مدیریتی بر فعالیت‌های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار است

نتایج حاصل از تحلیل فرضیه فوق در جدول (۲) آورده شده است:

جدول (۲) نتایج آزمون رگرسیون خطی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	T	سطح معنی دار
	B	خطای استاندارد	بتا		
مقدار ثابت	۲۸/۱۳۱	۳/۵۰۵		۸/۰۲۶	۰/۰۰۰
فرضیه دوم موانع مدیریتی	-۲/۰۷۰	۰/۰۵۲	-۰/۹۶۷	۳۹/۷۴۳	۰/۰۰۰

"موانع دو متغیر، بین ضریب داری معنی آزمون در اینکه به توجه با همچنین و شده محاسبه بتای به ضریب توجه با H فرضیه لذا است، خطا (۰/۰۵) سطح داری (۰/۰۰۰) کمتر از معنی مدیریتی" و "توسعه میدان مشترک نفتی آذر"، سطح دو بین خطی دار معنی رابطه گفت توان اطمینان می با ۹۵ درصد دیگر عبارت شود. به نمی ۰/۰۵ پذیرفته سطح صفر در متغیر "موانع مدیریتی" و "توسعه میدان مشترک نفتی آذر" در جامعه آماری تحقیق وجود دارد.

۴-۳- بررسی آزمون فرضیه سوم

فرضیه های آماری آزمون فوق عبارتند از:

عوامل مرتبط با منابع انسانی بر فعالیت‌های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار نیست. H_0 :
 عوامل مرتبط با منابع انسانی بر فعالیت‌های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار است. H_1 :
 نتایج حاصل از تحلیل فرضیه فوق در جدول (۳) آورده شده است:

جدول (۳) نتایج آزمون رگرسیون خطی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	T	سطح معنی دار
	B	خطای استاندارد	بتا		
مقدار ثابت	۵۳/۱۲۳	۳/۳۵۷		۹/۹۱۷	۰/۰۰۰
عوامل مرتبط با منابع انسانی	-۲/۶۹۱	۰/۱۲۶	-۰/۸۹۹	-۲۱/۳۷۳	۰/۰۰۰

با توجه به ضریب بتای محاسبه شده و همچنین با توجه به اینکه در آزمون معنی داری ضریب β بین دو متغیر، "عوامل مرتبط با منابع انسانی" و "توسعه میدان مشترک نفتی آذر"، سطح معنی داری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا (۰/۰۵) است، لذا فرضیه H صفر در سطح ۰/۰۵ پذیرفته نمی‌شود. به عبارت دیگر با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت رابطه معنی دار خطی بین دو متغیر "عوامل مرتبط با منابع انسانی" و "توسعه میدان مشترک نفتی آذر" در جامعه آماری تحقیق وجود دارد.

۴-۴- بررسی آزمون فرضیه چهارم

فرضیه‌های آماری آزمون فوق عبارتند از:

H_0 : عوامل مرتبط با بهره‌وری بر فعالیت‌های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار نیست.

H_1 : عوامل مرتبط با بهره‌وری بر فعالیت‌های توسعه میدان مشترک نفتی آذر تأثیرگذار است.

نتایج حاصل از تحلیل فرضیه فوق در جدول (۴) آورده شده است:

جدول (۴) نتایج آزمون معنی رگرسیون خطی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	T	سطح معنی دار
	B	خطای استاندارد	بتا		
مقدار ثابت	۱۷/۴۳۰	۷/۹۸۰		۲/۱۸۴	۰/۰۳۱
عوامل مرتبط با بهره‌وری	۶/۴۵۶	۰/۳۴۵	-۰/۸۷۳	۱۸/۶۸۸	۰/۰۰۰

با توجه به ضریب بتای محاسبه شده و همچنین با توجه به اینکه در آزمون معنی داری ضریب β بین دو متغیر، "عوامل مرتبط با بهره‌وری" و "توسعه میدان مشترک نفتی آذر"، سطح معنی داری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا (۰/۰۵) است، لذا فرضیه H صفر در سطح ۰/۰۵ پذیرفته نمی‌شود. به عبارت دیگر با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت رابطه معنی دار خطی بین دو متغیر "عوامل مرتبط با بهره‌وری" و "توسعه میدان مشترک نفتی آذر" در جامعه آماری تحقیق وجود دارد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر تأثیر تحریم‌های نفتی، موانع مدیریتی، موانع مرتبط با نیروی انسانی و موانع مرتبط با بهره‌وری بر فعالیت‌های توسعه‌میدان مشترک نفتی آذر بود. در این بین موانع مدیریتی بیشترین تأثیر منفی را بر فعالیت‌های طرح‌های توسعه‌میدان مشترک نفتی آذر داشته و تحریم‌ها کمترین تأثیر را داشته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد عواملی مانند عدم درک مناسب مدیران نسبت به اهمیت برنامه‌های توسعه‌میدان مشترک، عدم جلب مشارکت کارکنان در اجرای استراتژی‌های توسعه، علاقه به حفظ وضع موجود به منظور حفظ جایگاه توسط مدیران، توانمند نبودن مدیران عالی برای اجرای استراتژی، عدم آگاهی مدیران و ... بیشتر از تحریم‌ها بر عدم توسعه‌میدان مشترک تأثیر گذار بوده و بنابراین باید در زمینه عوامل مدیریتی مطالعات بیشتری صورت گیرد. به عنوان نمونه بهتر است در زمینه انتخاب مدیران ارشد به نوع تخصص و مهارت آنها دقت بیشتری شده و افرادی با دانش مناسب در زمینه صنعت نفت و گاز و افرادی از بدنه خود وزارت نفت هستند، انتخاب شوند. همچنین بهتر است در زمینه اهمیت توسعه‌میدان مشترک و بهره‌برداری از آنها، مزایای آن برای کشور مطالب بیشتری در بدنه وزارت نفت بیان و تدوین شود تا به صورت یک برنامه و استراتژی خود را نمایان کند. یکی از مطالب ذکر شده در مورد عدم تمایل مدیران به اجرای استراتژی‌ای توسعه‌میدان مشترک، نبود انگیزه‌های لازم در این زمینه است، بنابراین بهتر است تمهیداتی اتخاذ شود که مشوق‌های مالی و غیر مالی مرتبط با توسعه‌میدان مشترک برای مدیران و حتی المقدمان کارکنان در نظر گرفته شود تا به عنوان انگیزاننده عمل کرده و باعث تحرک بیشتر مدیران و کارکنان در زمینه توسعه این میدان شود.

دومین متغیر تأثیر گذار بر عدم توسعه‌میدان مشترک نفتی، عوامل مرتبط با نیروی انسانی می‌باشد. از جمله عوامل مرتبط در این زمینه، کمبود نیروی متخصص در صنعت نفت به دلیل جذب متخصصین توسط شرکت‌های خارج با شرایط و مزایای عالی، عدم وجود ارتباط مناسب بین کارکنان و مدیران، عدم درک مناسب استراتژی‌های توسعه توسط کارکنان، نبود آموزش‌های کافی در خصوص اجرای استراتژی‌های توسعه‌میدان مشترک و ... می‌باشد. در این زمینه هم بهتر است در ابتدا با وجود آوردن شرایط مناسب برای متخصصین حوزه نفت و گاز از جذب آنها توسط شرکت‌های خارجی جلوگیری به عمل آید و در ادامه با برگزاری کلاس‌های آموزشی مناسب در زمینه اهمیت توسعه‌میدان مشترک و استراتژی‌های توسعه، درک آنها نسبت به اهمیت این فعالیت‌ها بالا برده و سپس نسبت به اصلاح ساختار اداری و سهولت ارتباط کارکنان با مدیران اقدامات لازم صورت گیرد.

سومین متغیر تأثیر گذار بر عدم توسعه‌میدان مشترک، عوامل مرتبط با بهره‌وری می‌باشد. در این زمینه هم عوامل مانند عدم تخصیص بودجه مناسب، عدم حمایت سایر بخش‌های سازمان از واحدهای مرتبط با توسعه‌میدان مشترک، وجود نظام بوروکراتیک اداری و عدم کارایی آن و ... بیشترین تأثیر را دارند. از آنجایی که بهره‌وری هر سازمان و واحد کاری تا حدود زیادی به عوامل مدیریتی و نیروی انسانی آن سازمان برمی‌گردد، بنابراین برای افزایش بهره‌وری بهرت اس در ابتدا موانع مدیریتی و موانع مرتبط با نیروی انسانی سازمان بر طرف شود و در ادامه با تخصیص مناسب بودجه برای فعالیت‌های توسعه‌ای و اصلاح ساختار اداری سازمان در جهت افزایش بهره‌وری فعالیت‌های سازنده‌ای صورت گیرد.

چهارمین و آخرین عامل تأثیرگذار بر عدم توسعه‌میدان مشترک که نسبت به سه عامل اول تأثیر کمتری داشته است، تحریم‌های صورت گرفته علیه صنعت نفت و گاز می‌باشد. با توجه به این که این امر تا حدود زیادی خارج از توان مستقیم وزارت نفت می‌باشد. می‌توان گفت که با اصلاح سه عامل اصلی تأثیر گذار مدیریتی، منابع انسانی و بهره‌وری، می‌توان تا حدود زیادی تأثیر تحریم‌ها را کمرنگ کرد.

منابع

۱. طالبیان، امیر و فاضلی، محمد (۱۳۹۲). اهمیت راهبردی تحلیل پیامدهای اجتماعی دیدگاه‌های نظری حاکم بر توسعه صنعت نفت و گاز. فصلنامه راهبرد؛ سال بیست و دوم؛ شماره ۶؛ صص ۲۱۱-۱۷۹.
۲. کاشانی، جواد. (۱۳۹۲)، وضعیت حقوقی منابع نفت و گاز در مرز بین کشورها، مجله حقوقی بین المللی، دفتر خدمات حقوقی ریاست جمهوری، شماره ۳۹ پاییز و زمستان.
۳. مدرسی، میترا (۱۳۸۹). توسعه صنعت نفت و گاز ایران: موانع، چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران، اکتشاف و تولید، شماره ۷۶.
۴. معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، مجموعه برنامه پنج ساله جمهوری اسلامی ایران. اسفند ۱۳۹۳.
۵. معظمی، منصور و سرعتی آشتیان، نرجس. (۱۳۹۱). راهبردهای مقابله با اثرات تحریم بر صنعت نفت ایران با تأکید بر توسعه همکاری های دانشگاه و صنعت. فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، سال اول، شماره ۱.
۶. معظمی، منصور و سرعتی آشتیان، نرجس. (۱۳۹۱). راهبردهای مقابله با اثرات تحریم بر صنعت نفت ایران با تأکید بر توسعه همکاری های دانشگاه و صنعت. فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، سال اول، شماره ۱.
۷. سیدجوادین، سیدرضا. (۱۳۸۹). نقش توسعه منابع انسانی در دستیابی به چشم‌انداز ۱۴۰۴ صنعت نفت. گستره انرژی، سال چهارم، شماره ۴۰.
۸. هانگر، دیوید؛ ویلن، تامس. (۱۳۹۰). مبانی مدیریت استراتژیک. ترجمه داود ایزدی و سید محمد اعرابیدفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.

9. Capros, P. & Mantzos, L. (2013), "European Energy and Transport", European Commission, Belgium.
10. Tsado, D.G., Adamu, M. and Aderinola, M.A. (2014). Progress and Barriers In Relation To Sustainable Development in Shell (Case Study of Shell Nigeria). IOSR Journal of Environmental Science, Toxicology and Food Technologym (IOSR-JESTFT) e-ISSN: 2319-2402,p- ISSN: 2319-2399. Volume 8, Issue 9 Ver. III (Sep. 2014), PP 32-37 www.iosrjournals.org.
11. Elenwo, E.I. and Akankali, J.A. (2014) Environmental Policies and Strategies in Nigeria Oil and Gas Industry: Gains, Challenges and Prospects. Natural Resources, 5, 884-896. <http://dx.doi.org/10.4236/nr.2014.514076>
12. Locatelli, Catherine. (2009). The Russian oil industry between public and private governance: mobstacles to international oil companies' investment strategies. Energy Policy 34 (2009) 1075-1085.
13. Chatterjee, Pooja, (2011). Overcoming Barriers to Project Financing Shale Gas Development in India: How Can the Shale Gas Industry Avoid the Valley of Death? (May 13, 2011). Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1925388> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1925388>
14. Kala, Sasikarn; Isaramalai, Sang-arun; Pohthong, Amnart (2012). ; "Electronic learning and constructivism: A model for nursing education", Nurse Education Today, Thailand, 1-6, 2012.
15. Turvey, Keith; (2013). "Pedagogical-research designs to capture the symbiotic nature of professional knowledge and learning about e-learning in initial teacher education in the UK", Computers & Education, UK, 1-8,